



**چکیده:**

اصلی‌ترین دغدغه‌های علامه غروی، که در لابه‌لای تألیفات و مکتوباتش، بارها به آن تصریح نموده و از بالاترین اهداف خود بشمارش آورده، و در راستای وصول به آن، تمامی هم خود را مصروف، و بسیاری از تهمت‌ها و افتراءات را به جان خریده، و به مصداق شریفه «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»، در این راه، بر آنچه به او اصابه نموده، صبر را پیشه ساخته، ایجاد وحدت بین امت اسلام بوده است. یعنی همان چیزی که خدای تعالی در کتاب مجیدش و نیز رسول عظیم الشأن او همواره بر آن توصیه و تأکید نموده‌اند، و علی‌علیه السلام برای حفظ آن سکوتی سنگین را در ربع قرن پیشه کرد. بدین جهت، و به مناسبت ایام هفته وحدت، در این مقال، بخشی از مقدمه کتاب «مغرب و هلال» از تألیفات وی را، که بررسی علل اختلاف و نیز ارائه سه راهکار برای رسیدن به توحید و سرافرازی امت اسلام است، بازنشر می‌کنیم، باشد که این سخنان، پس از گزشت ۳ ده، به مثابه نوری، گوشه‌یی از جهان تاریک امروز مسلمانان را روشن سازد.

کلیدواژه‌ها: اتحاد، راهکار، اختلافات، اهل سنت، شیعه، مذاهب چهار گانه، مغرب و هلال، سید محمد جواد غروی، دین اسلام، قرآن، پیامبر اسلام، مسلمانان، غرب، استعمار، نفت، بانک اسلامی، دانشگاه، علماء، امراء.

بنای دین بر اتحاد راستین استوار است. اگر نظری به احکام اسلام بیفکنیم، خواهیم دید که نتیجه جمیع اوامر و نواهی، ایجاد اتحاد بین همه مسلمین، و بالمآل بین تمام بشر است. هر یک از اوامر الهی، مستقیم و غیرمستقیم، موجب جلب وحدت و هماهنگی واقعی است، و ارتکاب هر یک از نواهی، باعث افتراق و انحلال نظام یگانگی، و احداث عوامل جدایی و بیگانگی، و بالاخره سبب اختلال نظم معاش و پیدایش فقر و ذلت و انحطاط و فناء و زوال است. حیات و بقاء و ارتقاء و تکامل جامعه منوط به اتحاد حقیقی است که در سایه رفع اختلافات، و ایتان واجبات، و احتراز از مناهی و محرّمات، تحقق می‌یابد.

فضیل بن یسار روایت کرده گفت: از ابی عبدالله صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ؛ لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ، وَلَا يَغْتَابُهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَحْرِمُهُ<sup>۱</sup>

هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است، به او ستم نمی‌کند و او را وانمی‌گزارد، و از او غیبت نمی‌کند و او را از حاجاتش محروم نمی‌گرداند.

علی بن عقبه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت:

۱ - کافی، ج ۳، ص ۴۲۹.



الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَعُشُّهُ وَ لَا يَعِدُهُ  
عِدَّةً فَيُخْلِفُهَا.<sup>۲</sup>

مؤمن برادر مؤمن و چشم او و راهنمای او است، به او خیانت نمی‌کند، و به او ظلم نمی‌نماید، و او را فریب نمی‌دهد، و او را نویدی نمی‌دهد که خلف نماید (به وعده خود وفا می‌کند).

و رسول امین صلی الله علیه و آله اهتمام به امور مسلمین را از اعظم وظایف آنان قرار داده

فرمود:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي: يَا  
لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يُجِبْهُ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.<sup>۳</sup>

کسی که وارد بامداد شود و در مقام غمخواری و کمک مسلمین برنیاید، از دایره اسلام خارج است، و هر کس استغاثه و طلب یاری از مسلمانی بشنود که می‌گوید: «ای مسلمانها به فریادم برسید» و پاسخ مثبت به او ندهد و به دادرسی وی قیام نکند، مسلمان نیست.

و نیز کتاب خدا از همه مسلمین همکاری و همیاری را در جمیع امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و صنعتی خواسته است، چنانکه فرموده است:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ (مائده ۲)  
یکدیگر را بر اعمال نیک و بر پرهیز از نافرمانی خدا یاری دهید و بر گناه و تعدی و دشمنی، به همدیگر کمک نکنید و تقوی را پیشه سازید.

از باب مثال، امانت، صدق و صفاء، محبت و وفا، جود و سخا، حکم به حق در قضاء، اعانه محروم، اغاثه مظلوم، کسب علوم، نشر معروف، نفی منکر و به عبارت جامع، عدل و احسان و انصاف است که جوامع بشری را هماهنگ و متحد و متشکل می‌سازد. در نتیجه، نیروهای جسمی و عقلی و علمی و مالی، همه در مسیر صحیح و نافع قرار خواهد گرفت و انسانها را به هدف غائی، که وصول به عدالت اجتماعی و همکاری عمومی و استفاده از جمیع نعمتهای عالم وجود و سعادت نشأتین است، نائل می‌گرداند. و بر عکس هرگاه جامعه‌یی از دستورات دینی سرپیچی کند و ستونهای وحدت را فروریزد، اختلاف شدید و نزاع و نبرد بین افراد و گروهها بوجود می‌آید و همه نیروها در مسیر فساد و ویرانی بسیج می‌گردد، و ثمره آن جز اتلاف قوی و نفوس و اموال و ویرانی و حیران از مطلق خیرات و سعادت دنیوی و اخروی، و تباهی و نابودی، چیزی دیگری نیست.

اکنون جای این سؤالات است: آیا مسلمین جهان، که جمعیشان بیش از یک پنجم نفوس کره زمین است، پیامبر، کتاب و دینشان یکی نیست؟! آیا همه، نماز، روزه، حج، زکوة و سایر احکام را قبول ندارند؟! آیا در اصل واجبات و محرمات اختلاف دارند؟! آیا قرآن‌شان آنها را یک امت نخوانده؟! آیا در قرآن نیامده «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء ۸۲) اگر این قرآن از جانب غیر خدا بود هرآینه اختلاف بسیار در آن یافت می‌شد؟ آیا عقلاً ممکن

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳- کافی، ج ۳، ص ۴۱۷.

است در یک مسأله، دو یا چند قول متناقض، همه با واقع منطبق باشند، در حالی که هریک از اقوال سایر قولها را باطل می‌داند؟! به اتفاق عقلاء، جمع بین ضدین و نقضین مُحال است و «تصویب» سخنی است غیرمقبول و نامعقول، و شارع هرگز چنین موضوعی را تأیید و امضاء نمی‌کند، زیرا مستلزم تناقض و تضاد و ایجاد اختلاف است. و دینی که احکامش مبتنی بر حکمت و وحدت بوده، و دلیل حقیقت آن موافقتش با عقول سلیمه و طِباع مستقیمه است، محال و ممتنع است دو قول مختلف را تصویب نماید. آیا کتاب مجید شدیداً از اختلاف نهی نکرده و آنرا موجب عذاب عظیم نشمرده است؟!

پس این سؤال پیش می‌آید که چرا حدود یک میلیارد مسلمان که دین و پیامبر و کتابشان یکی است، به این اختلافات پایان نمی‌دهند؟! در این قرون متمادیه، که از ظهور اسلام می‌گذرد، اختلافاتی که بوجود آمده همچنان در بین مسلمین بجا مانده و به تقلید اسلاف اکتفاء شده است. و به قول شاعر:

«نَبِيٌّ كَمَا كَانَتْ أَوَائِلُنَا      نَبِيٌّ وَ نَفَعَلُ مِثْلَ مَا فَعَلُوا»

و نیز در این مدت، یک انجمن، یک کنفرانس و یک اجتماع بین علماء امت و سایر طبقات مسلمین، در هیچ کجای دنیا، تشکیل نشده که لااقل تفاهمی بوجود آید و برخی از مسائل مهم دینی، اجتماعی و سیاسی، مطرح شده و حل گردد.

از صدر اسلام تا این عصر، قریب چهارده قرن می‌گذرد، و همه ساله، مسلمانها از اقطار جهان، برای انجام فریضه حج، رهسپار مکه می‌شوند. و تاریخ نشان نمی‌دهد که حتی یک مرتبه هم در ایام حج، انجمنی مرکب از علماء مذاهب، تشکیل شده و در اطراف مسائل خلافتی، بین فرق مسلمین، بحث و تحقیقی انجام گرفته باشد، و حتی یک مسأله را که محل خلاف است، به اتفاق مبدل ساخته باشند. نه فقط اهل سنت، با فرق شیعه، مُعضَلَه‌یی را در میان نگرارده، که با نیت پاک، مورد بحث و مناظره قرار دهند و حق آن را از باطل جدا سازند، بل فرق اهل سنت، در فقه دین و اصول عقاید، اختلافات شدید دارند. با آنکه مذاهب چهارگانه آنها رسمیت دارد، هرگز علماءشان در مقام رفع این اختلافات برنیامده‌اند، در حالیکه در ایام حج، علماء و عوام چهار مذهب، در مکه حضور می‌یابند.

حنفی در بست و چشم بسته، تمام مسائل و مطالب دینی را از ابی حنیفه می‌گیرد، و احتمال خطائی در هیچ یک از گفته‌های وی نمی‌دهد، و به نظر عناد به سایر مذاهبها می‌نگرد. شافعی، مالکی و حنبلی هم به همین منوال. در صورتیکه همه می‌گویند کتاب ما قرآن، رسول ما محمد صلی الله علیه و آله، و دین ما اسلام است!! و بالمره در مقام طرح کردن یک مسأله اختلافی هم برنیامده‌اند. کتاب «الفقه علی المذاهب» را مطالعه کن تا ببینی کمتر مسأله‌یی وجود دارد که بین مذاهب چهارگانه مورد وفاق باشد، با اینکه در اصول احکام، مانند نماز، روزه، حج، زکوة، خمس و مطلق واجبات و مُحَرَّمات اتفاق دارند.

شیعه نیز، کم و بیش، همین روش را اتخاذ کرده‌اند، فقهائی که در یک مکتب به آموزش می‌پردازند، و در یک مدرسه و تحت تعلیم یک استادند، هنگامی که فارغ التحصیل می‌شوند، در مسائل گوناگون، هریک رأی خاصی دارند که بعضاً با یکدیگر مغایرند. در صورتیکه اختلاف، ناشی از عدم اصابت حق است نه در احکام خداوند و شیعه تصویب را باطل می‌داند. و اما ایضاً: مُلَخَّصٍ مقصود این است که اعظم وظائف مسلمین، ایجاد وحدت کامله، به



تمام ابعاد آن، می‌باشد. و این وحدت بدست نمی‌آید مگر از دو طریق باهم. اول رفع اختلافاتی که در برخی از مسائل دینی، در اصول و فروع، بین مسلمین وجود دارد که این مقصود حاصل نمی‌گردد مگر با تأسیس دانشگاهی به منظور تقریب مذاهب اسلامی، تا متدرجاً به توحید بیانجامد. البته شروع کاری که چنین نتیجه‌یی را دربر داشته باشد، تاحدی مشکل است، ولی اگر علماء و امراء، یا بعضی از آنها، تصمیم بر تأسیس آن بگیرند، آسان خواهد شد.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

إِذَا هَيْتَ أَمْرًا إِفْقَعُ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْفِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ ۴.

هرگاه از کاری (به سبب مشکلات آن) بترسی، خود را در آن کار بیانداز، زیرا سختی پرهیز از آن، بزرگتر است از چیزی که از آن می‌ترسی.

ولی شرط اساسی این اقدام ارزشمند آن است که سران ملت، که در علماء و امراء خلاصه می‌شوند، به خود آیند. امراء از استبداد و تعصب و خودمحوری احتراز نموده و تنها به فکر تحصیل وحدت حقیقی مسلمین و عزت و استقلال و ارتقاء ایشان باشند تا نزد خالق متعال پسندیده، و در نظر خلق، محبوب و مقرب گشته، از وبال تسامح و اهمال، در انجام این وظیفه‌ی خطیر و مسؤولیت عظیم، مصون مانده و ملت اسلام را به اوج رفعت و عظمت نائل سازند.

برای نیل به چنین هدفی، باید یکی از کشورهای اسلامی پیشقدم شده، چنین پایگاهی را بنیانگزاری نماید، و دیگر مسؤولین کشورهای اسلامی نیز، یک دل و یک زبان، همکاری نموده و از هرگونه مساعدت و مظاهرّت و نیز اختصاص هر نوع بودجه‌یی برای آن دریغ نورزند. و پس از تأسیس، از همه‌ی علماء و صاحب‌نظران مسائل اسلامی دعوت نمایند. علماء نیز، بدور از هرگونه تعصب، لجاج و حبّ و بغضی، فقط جویای اصابه‌ی حق و نشر آن بوده، چنین دعوتی را اجابت نموده از بین خود دانشمند فاضل و محقق و مخلص را برای اداره‌ی چنین مؤسسه‌یی انتخاب کنند. آنها نیز با جدّیت، هدف اصلی را، که رفع اختلافات امت است، دنبال نمایند. در هر چند ماه یک مرتبه، مجمعی تشکیل دهند، و قبل از موعد مقرر، چند مسأله از مسائل اصولی و فروعی را در دستور کار آن قرار داده، به همه‌ی علماء مذاهب، ابلاغ کنند تا دلایل خود را نسبت به نظراتشان، جمع آوری و در آن مجمع ارائه نموده به بحث و تحقیق، تا کشف واقع، ادامه دهند. و هریک از فقهاء ارباب نظر، که نتوانند شرکت کنند، نظرات خود را با ادله، به آن مجمع ارسال دارند. و محققین مذاهب، بررسی کامل در رسائلی که فرستاده می‌شود و در استدلالات حضوری و شفاهی، بعمل آورند، و حق مسائل خلافی را، از کتاب و سنت قطعی و اصول عقلیه‌ی عملیه، استنباط و استخراج نمایند، و هر مسأله‌یی که با دلیل قاطع به اثبات رسید، به اتفاق امضاء نموده در رسانه‌های گروهی و جرائد و مجلات و کتب مُدَوَّنه منتشر سازند، تا به تدریج ریشه‌های اختلاف را از بیخ و بن برکنند، و کار به جایی منتهی شود که در اصول عقائد و فروع احکام، نقطه‌ی ابهام و ماده‌ی خلافی باقی نماند. روشن است که اگر چنین دانشگاه مشترکی بوجود آید، و در هر سال چند مرتبه، علماء اجتماع نموده در حل معضلات بکوشند، و در هر مرتبه، چند مسأله از مسائل خلافی مطرح شده و بررسی گردد، دیری نمی‌یابد که همه‌ی اختلافات از بین رفته، به وحدت نظر و اتفاق

۴- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۰۱.

کلمه خواهد انجامید.

دوم، هم زمان با رفع اختلافات توسط علماء اسلامی، عمل به احکام الهی و اجرای آن به نحو کامل است. بدین معنی که اوامر کتاب خدا به صورت قانون عملی و بدون تخلف، در میان مسلمانها مورد اطاعت قرار گرفته، محرمات و نواهی کتاب، به ویژه ربا، رشوه، احتکار، حکم بر خلاف ما انزل الله، قتل ناحق، منافیات عفت، کذب و سرقت، افتراء و تهمت، کبر و نخوت، حرص و آرز، تجاوز به حقوق دیگران، فساد و افساد، ظلم به معنای اعم، اسراف و تبذیر، منع حقوق مالی و نظائر اینها، و در رأس آنها حب جاه و مال و هواپرستی، که مجمع رذائل است، و همه آنها در کتاب مجید، منصوص است، بالمره محو و نابود شود.

با طی این دو طریق است که مآلاً چهره منیر اسلام از آرایش بدعتها، اوهام و خرافات شسته شده و با ارائه جمال بی مثالش به جهانیان، نظر مردم دنیا به دین حنیف اسلام جلب می شود. باشد که ستم و بیداد جای خود را به عدل و داد دهد و بشریت را از جدال و قتال و شقاق و افتراق برهاند، و نهال توحید و اتحاد را در قلوب نشانده و آنرا بارور گرداند.

این اقدام که اتحاد قولی و عملی مسلمانان را به دنبال دارد، اعظم وظائف امت اسلام، به ویژه دانشمندان بوده و هست، ولی تاکنون جامه عمل نپوشیده است. آیا ارزش آن از صنایع جدید کمتر است؟!

اگر بشر روش آباء و اجداد خود را ادامه می داد و به نوآوری نمی اندیشید و در این راه از صرف وقت و نیرو و مال مضایقه می کرد، هرگز این مصنوعات عجیبه و اکتشافات غریبه، که نیازهای بشر را با کمال سهولت برآورده است، بوجود نمی آمد. آیا ارزش ایجاد اتحاد واقعی بین مسلمین برتر و مهمتر نیست؟! بلکه اختراعات تازه، با اینکه فوائد بی شمار دارد، خطرات بسیار نیز برای بشریت بوجود آورده، که شیرینی ثمرات سودمند آن را با زهر قاتل عجین ساخته است.

در قرون پیشین، کشورهایی که از هم دور بودند، کمتر به فکر تجاوز به یکدیگر می افتادند. و هرگاه جنگی بین دو قبیله یا دو کشور رخ می داد تلفاتش اندک بود، زیرا وسائل و سلاحهای جدید کشف نشده بود. ولی امروز که بشر افزارها و سلاحهای کشنده و نابوده کننده را اختراع کرده، قدرتهای بزرگ با تولید و در اختیار گرفتن چنین جنگ افزارهایی، مسلمانها را که دارای منابع و معادن عظیم ثروت، به ویژه نفت و گاز و اراضی وسیع می باشند، در اقصی نقاط گیتی، نشانه گرفته و می خواسته و می خواهند همه دارایی آنها را به رایگان ببرند. و چون اتفاق و اتحاد مسلمانها را مانع می دانند، پیوسته به انواع وسائل و حیل متشبه شده، بین ایشان آتش تفرقه و نبرد می افروزند تا نتوانند در مقابل دشمن غارتگر قیام و مقاومت نمایند. تاراج گران به خوبی دریافته اند که هرگاه مسلمین متحد و متفق گردند، دست جنایت و خیانت و ظلم و تعدی آنها را قطع کرده و مال و استقلال و آزادی و استیلاء و سلطه بر سرنوشته خویش را به طور کامل بدست می آورند، و در صنایع و اختراعات و رفع کلیه احتیاجات خود از اجانب مستغنی و بی نیاز خواهند شد.

این استثمارگران از طرق مختلف فتنه انگیزی و دروغ پراکنی و تبلیغات سوء، مسلمین را رو در روی هم قرار می دهند تا تیغ به روی یکدیگر کشیده و به دست خود در نابودی خویش بکوشند و گنجهای ثروتشان را بدست خود در اختیار اجانب قرار دهند. اینها مصداق این شعرند:

إِنْ بَسَمِعُوا الْخَيْرَ أَحْفَوْهُ وَإِنْ سَمِعُوا شَرًّا أَدَاعُوا وَإِنْ لَمْ يَسْمَعُوا كَذَّبُوا

بالجمله کشف اسرار طبیعت، اگر چه نتایج سودمند داشته، ولی شر آن هم کمتر از خیرش



نبوده است. فقط چیزی که جلوگیری آن ضرور است، پیروی از قانون عدل و انصاف است، که آن هم تنها در دین حق نهفته و با برهان و تجربه و شهود، ثابت است که یگانه منجی بشر از فساد و ظلم و بیداد، دین بی آلائش الهی است، و آن نیز دین مقدس اسلام است.

یکی دیگر از وظایف مهمی که حکومت‌های ممالک اسلامی بر عهده دارند، رفع فقر و محرومیت‌های اقتصادی، اولاً از مردم کشور خودشان، و در مرتبه دوم، از دیگر کشورهای اسلامی است. و این مهم بانجام نمی‌رسد مگر با تشکیل یک بانک مشترک اسلامی، که امروز برای کشورهای نفت خیز مسلمین در کمال سهولت بوده، ولی تا کنون کسی گامی در این راه برنداشته است.

آیا در ممالک اسلامی، زمین برای تأمین قوت و غذاء و دامداری و مسکن، به قدر کافی، وجود ندارد؟! آیا قریب هفتاد درصد نفت جهان در حیطه تصرف مسلمین نیست؟! آیا نه این است که غریبان نفت را کشف کرده و ماشین آلات استخراج آن را هم، علاوه بر سایر اختراعات، ساخته‌اند و نفت مورد نیاز خود را هم خریده و می‌خرند؟! با این حال بانک جهانی تشکیل داده و سرمایه هنگفت در آن سپرده‌اند، و بیشتر مردم به جهان سوم، که مسلمین نیز از جمله آنهاست، وام داده و به اضعاف مضاعفه بهره می‌گیرند و وام گیرندگان از پرداخت بهره آن نیز عاجزند و روز به روز فقیرتر، درمانده‌تر، بیچاره‌تر می‌شوند، چه رسد به اینکه خود را به قافله تمدن رسانده و مستغنی از کشورهای بیگانه شوند، و ممالک خود را صنعتی کنند؟! کشورهای اسلامی که بهای نفت را می‌گرفته‌اند، نه در علوم روز پیشرفت چشمگیری کرده‌اند و نه خود را بی نیاز از اجانب، و نه اراضی خود را آباد نموده‌اند، و همچنان در جهل و فقر و سرگردانی غوطه ورنند و بخود نمی‌آیند. اگر مسلمین بانک مشترکی تأسیس می‌کردند که در همه بلاد اسلامی شعبه داشت، و در هر ماهی فقط سه روز بهای نفت را به آن بانک تحویل می‌دادند، در یکسال قریب بیست میلیارد دلار جمع آوری شده و هر روز بر آن افزوده می‌گشت، و وام بی‌بهره، و احیاناً کمک‌های بلاعوض، در اختیار مسلمین قرار می‌گرفت تا راه ترقی و بی‌نیازی برای ایشان باز می‌شد و مجبور و مضطر نمی‌شدند. که دست حاجت به سوی بانک‌های خارجی و کارخانه داران بزرگ و شرکتهای نفتی دراز کنند!

این اقدام، کوشش پیگیر لازم دارد و باید از یک کشور آغاز گردد که ایران در این زمینه هم دارای اولویت است. زیرا تنها کشوری است که در برابر قدرتهای بزرگ و بیگانه بپاخواست، و نظر مسلمین جهان را به سوی خود جلب نمود و استقلال خود را بدست آورد. از اینرو، شایسته است که این هدف اساسی را نیز عهده دار شده و این سه موضوع را (رفع اختلافات در مسائل دینی، بتدریج و به قدر امکان، اجراء کامل احکام شناخته شده دین، تأسیس بانک مشترک) با کوشش پیگیر و مداوم، با برنامه‌های قاطع و مؤثر، مرحله به مرحله، به منصفه اجراء گزارد و برای همیشه، مسلمین را سرافراز و قرین افتخار ساخته و این انقلاب را، که از ثمرات انقلاب اول است، به نتیجه غائی و اعتلاء نهائی برساند، و به تدریج دیگر کشورهای اسلامی را با خود همراه نماید. هرگاه چنین تأسیسی صورت پذیرد، طولی نخواهد کشید که سایر ممالک نفت خیز هم به آن ملحق خواهند شد. و فقط نفت تنها نیست که برای سرمایه‌گذاری در چنین بانکی می‌توان از آن استفاده کرد، بلکه زکات فطر و زکات اموال و برخی از اوقاف و سایر وجوه نیز می‌تواند بر آن اضافه شود. علاوه بر اینها، وقتی مسلمین از فوائد و عوائد عام آن آگاهی یافتند، مردم خیراندیش

هم، به قدر امکان، تَبَرُّعاً به این مؤسسه مساعدت خواهند کرد، و دیری نمی‌پاید که ممالک پیشرفته هم به استقراض از چنین بانکی محتاج شوند و مسلمین در طراز اول ثروتمندان جهان قرار گیرند. آن وقت است که هم می‌توانند خود به احکام دین، بی‌کم و کاست عمل کنند و هم اسلام را در عالم ترویج نموده، و به وسیله بسط و نشر و اجراء آن، بشریت را از مفسد فوق حد و حصر بی‌دینی نجات بخشند. اگر چنین بانکی تأسیس شود، ضامن تأمین برنامه‌های عظیم دینی، فرهنگی، صنعتی، تجاری، طبی، زراعی، عمرانی در عامه بلاد اسلامی خواهد بود.

آری! همت والا لازم است که:

همت اگر سلسله جنبان شود  
همت بلند دار که مردان روزگار  
مور تواند که سلیمان شود  
از همت بلند به جایی رسیده‌اند

و نیز گفته‌اند:

و تَأْتِي عَلِيَّ قَدْرَ الْكِرَامِ الْمَكَارِمِ  
و تَصْغُرُ فِي عَيْنِ الْعَظِيمِ الْعِظَامِ  
عَلِيٌّ قَدْرُ أَهْلِ الْعَزْمِ تَأْتِي الْعَزَائِمُ  
و تَعْظُمُ فِي عَيْنِ الصَّغِيرِ صِغَارُهَا

به امید روزی که مسلمانان، چون یک تن واحد، توجه جهانیان را به اسلام و احکام آن، به عنوان تنها کلید معضلات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، جلب نموده و برای ساختن مدینه فاضله، پیشگام و پیشقدم شوند.

